

بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)

نقی زهی^۱

شهرزاد محمدخانلی^۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۳۰

چکیده

با عنایت به نقش مالیات در اقتصاد که یک اهرم مالی تخصیصی - توزیعی می‌باشد، پدیده فرار مالیاتی به عنوان یک ضد ارزش می‌تواند تهدید جدی برای تداوم زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد و به همین علت ضرورت شناخت عوامل بروز و تشدید فرار مالیاتی و تمهید و ارائه راهکارها و پیشنهادات علمی - کاربردی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این تحقیق با استفاده از روش بررسی میدانی از دو طیف جامعه مؤدیان و کادر تشخیص اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان شرقی نظرسنجی به عمل آمد و ضمن ارزیابی ۱۵ مؤلفه تاثیرگذار در فرار مالیاتی با استفاده از آزمون t برای نمونه‌های مستقل و t تک نمونه‌ای، دیدگاه‌های این دو طیف بررسی شد و با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل، ۱۰ مؤلفه مورد بررسی هم از نظر کارمندان و هم از نظر مؤدیان در تشدید فرار مالیاتی مؤثر قلمداد شد. از نظر مودیان فقط ۳ مؤلفه و از نظر کارمندان فقط ۱ مؤلفه در تشدید فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد. یکی از مؤلفه‌ها نیز از نظر هر دو طیف بی‌تاثیر بوده است.

واژه‌های کلیدی: باور مالیاتی، فرهنگ مالیاتی، قوانین مالیاتی، مؤدیان مالیاتی، کادر تشخیص،

معافیت‌های مالیاتی

۱- معاون اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی آذربایجان شرقی

۲- کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه

در کلیه ملل دولت‌ها در قبال مردم در برآورده ساختن برخی نیازها و خواسته‌های آنان همچون ایجاد اشتغال، ایجاد امنیت داخلی و ملی، تثبیت قیمت‌ها، تأمین اجتماعی کارآمد، ثبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بهبود وضعیت ترازپرداخت‌ها و غیره پاسخگو می‌باشند و برای دستیابی به این مهم نیازمند منابع مالی مکفی خواهند بود، به همین سبب از دیرباز و تشکیل جوامع حکومتی، مالیات و أخذ آن به عنوان بحثی حاکمیتی بوده و دریافت آن تحت عناوین و اشکال مختلف رایج گشته و رفته رفته جنبه علمی به خود گرفته است. امروزه درآمدهای مالیاتی یکی از مهمترین منابع درآمدی در بودجه اکثر دولت‌ها به ویژه کشورهای توسعه یافته بوده و به عنوان یک شاخص اقتصادی در رتبه‌بندی کشورها نیز مطرح می‌گردد حجم و میزان درآمدهای مالیاتی در قسمت منابع بودجه، معرف سلامت اقتصادی حکومت شناخته می‌شود و نقطه قوت سیستم اقتصادی هر کشوری، شفافیت و سلامت نظام اقتصادی از طریق اتکاء به منابع و درآمدهای مالیاتی می‌باشد. این در حالی است که در کشورهای توسعه نیافته، اتکاء دولت به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و زیرزمینی همچون نفت خام که در حقیقت فروش سرمایه محسوب می‌گردد مشکلات ساختاری به وجود آورده که با نوسانات قیمت جهانی این گونه منابع طبیعی، بودجه آن کشور تحت تأثیر قرار گرفته و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در بودجه دچار مشکل می‌شود و به مرور این شکاف در طی سالیان متمادی عمیق تر می‌گردد که حاصل آن یک اقتصاد ناسالم و بی‌ثبات خواهد بود، که بالا بودن اختلاف طبقاتی و تبعات بعدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی آن فقط یکی از نشانه‌های آن است.

مالیات که در حقیقت نوعی پرداخت هزینه زندگی اجتماعی می‌باشد تعاریف مختلفی دارد، از جمله در تعریف صندوق بین‌المللی پول آمده، «مالیات عبارت است از وجوه اجباری، غیرجبرانی و غیرقابل برگشت که دولت برای مقاصد عمومی مطالبه می‌کند».

در وضع و وصول مالیات، دولت‌ها به دنبال تجهیز منابع مالی در برابر مخارج دولتی، تثبیت فعالیت‌های اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی به وسیله تعدیل نابرابری‌های درآمدی و ثروت بوده و به همین سبب است که مالیات به عنوان یکی از مباحث اصلی اقتصاد کلان و یک ابزار و اهرم مالی کارآمد برای به تعادل رساندن اقتصاد و بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی همچون نرخ بیکاری، نرخ تورم، حمایت از تولیدات داخلی، نرخ سرمایه‌گذاری و غیره در اختیار دولت‌ها قرار دارد که نحوه و میزان

بهره‌مندی از این ابزار مالی بر طبقه‌بندی اقتصادی کشورها نقش خواهد داشت. به لحاظ تأکید کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی بر استفاده از سیاست اقتصادی کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و اتکاء بر درآمدهای مالیاتی و افزایش نرخ متوسط مالیات در کشور برای شتاب دادن به روند رشد توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی ضرورت افزایش و به بیانی منطقی نمودن وصول و اخذ مالیات در هر جامعه‌ای با توجه به ویژگی‌های آن یکی از ضروریات است و در این راستا یکی از راهکارهای افزایش حجم درآمدهای مالیاتی، شناسایی و ریشه‌یابی فرار مالیاتی و به دنبال آن جلوگیری و کاهش فرار مالیاتی است.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱- نقش مالیات در اقتصاد ایران

همان طوری که بیان گردید مالیات در اکثر کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته به عنوان عمده‌ترین منبع مالی دولت در بخش درآمدی بودجه بوده و بخش قابل توجهی از هزینه‌های عمومی را پوشش می‌دهد به گونه‌ای که در برخی از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد از هزینه‌های عمومی دولت از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می‌گردد. در اقتصاد کشور ما به دلیل شفاف نبودن درآمدها و عدم توانایی سیستم مالیاتی در شناسایی صحیح میزان درآمد مردم، میزان مالیات تشخیصی ناچیز بوده کما این که بخش قابل توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز به مرحله وصول نمی‌رسد و اگر هم وصول گردد اصل فایده در آن رعایت نمی‌گردد یعنی هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بیشتر است. در رابطه با نقش مالیات در اقتصاد ایران فقط به دو شاخص زیر پرداخته می‌شود:

- نسبت مالیات به هزینه‌های جاری دولت: تأمین بودجه جاری دولت از طریق مالیات از

اهداف اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها می‌باشد که برخی از دول در این رابطه موفق و برخی هم مانند کشور ما ناموفق عمل نموده‌اند که عوامل زیادی از قبیل اتکاء به درآمدهای نفتی، افزایش و عدم کنترل مخارج عمومی، فرار مالیاتی و غیره در آن نقش به‌سزایی خواهد داشت. با توجه به جدول (۲) در صفحه بعد که وضع مالی دولت طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۵۷) را نشان می‌دهد، نسبت مالیات به هزینه‌های جاری دولت از ۲۰/۲٪ در سال ۱۳۵۷ به ۴۲/۵٪ در سال ۱۳۸۷ رسیده است که در نگاه اول معرف بهبود وضعیت می‌باشد ولی با توجه به درصد رشد دوره که برای مالیات وصولی، هزینه‌های جاری و نیز نسبت مالیات به

هزینه‌های جاری دولت در این تحقیق محاسبه شده جدول (۳) مشخص می‌گردد که نسبت مالیات به هزینه‌های جاری دولت فقط ۰/۷۹ درصد رشد داشته است که در حقیقت این نسبت در سال ۱۳۸۷ تفاوتی نسبت به سال ۱۳۵۷ (یعنی سی سال پیش) را نشان نمی‌دهد. برای بررسی نسبت مالیات به هزینه‌های جاری دولت بایستی میزان افزایش درآمدهای مالیاتی که عوامل فراوانی از جمله فرار مالیاتی (موضوع این گزارش) در آن نقش دارد با میزان افزایش هزینه‌های جاری دولت یک جا بررسی گردد و برای بهبود این شاخص بایستی در کنار سیاست کارآمد افزایش درآمدهای مالیاتی، سیاست واحدی برای منطقی نمودن مخارج عمومی اتخاذ گردد چرا که با توجه به جدول (۳) که در آن نرخ رشد سالانه میزان مخارج عمومی دولت و میزان وصول درآمدهای مالیاتی نسبت به سال قبل محاسبه شده، به وضوح مشخص می‌گردد که درصد رشد هزینه‌های عمومی و درصد رشد مالیات‌های وصولی دارای نوسانات بسیار زیادی است و در بعضی موارد منفی نیز شده است.

– نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی: این نسبت نیز با نوسانات میزان

درآمدهای مالیاتی تغییر خواهد نمود که طبیعتاً عوامل مؤثر در وصول مالیات از جمله فرار مالیاتی (موضوع این گزارش) در آن نقش خواهد داشت. با توجه به جدول شماره (۲) در صفحه بعد که وضع مالی دولت طی سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۸۷) را نشان می‌دهد، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از ۵/۴٪ سال ۱۳۵۷ به ۵/۷٪ در سال ۱۳۸۷ رسیده است ولی با توجه به درصد رشد دوره که برای مالیات وصولی، تولید ناخالص داخلی و نیز نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در این پژوهش محاسبه شده جدول (۳)، مشخص می‌گردد که نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در طی دوره مورد بررسی نه تنها رشد نداشته است بلکه دارای ۰/۷۱ درصد کاهش (رشد منفی) نیز بوده است. در این رابطه با توجه به جدول شماره چهار که در آن نرخ رشد سالانه میزان تولید ناخالص داخلی و میزان وصول درآمدهای مالیاتی نسبت به سال قبل محاسبه شده، به وضوح مشخص می‌گردد که درصد رشد تولید ناخالص داخلی و درصد رشد مالیات‌های وصولی دارای نوسانات بسیار زیادی است و در بعضی موارد منفی نیز شده است که در کنار عوامل مختلف، حجم درآمدهای مالیاتی به ویژه فرار مالیاتی (موضوع این تحقیق) در آن مؤثر می‌باشد.

با بررسی و مطالعه روند نسبت تولید ناخالص داخلی به مالیات در کشور در طی سال‌های مورد

بررسی مشخص می‌گردد هر چند که تلاش زیادی در راستای بهبود این نسبت از ساده‌سازی قوانین، اصلاح نرخ‌ها و غیره در طی این سی سال صورت پذیرفته ولی همچنان این مهم تحقق نیافته و همچنان کشور با پدیده شوم و ناهنجار فرار مالیاتی گریبانگیر می‌باشد که ضرورت دارد تا ضمن شناسایی و ریشه‌یابی آن، راهکارهای اجرایی کارآمد برای آن تمهید گردد لذا در این تحقیق بر آن شدیم تا این عوامل شناسایی گردد. در همین رابطه با توجه به جدول شماره یک که متوسط نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی برای بیست کشور منتخب طی دوره نه سال ۱۹۹۸ لغایت ۲۰۰۶ را نشان می‌دهد، ایران در رتبه بیستم یا به بیانی رتبه پایانی قرار دارد که با توجه به کشورهای دارای رتبه بالاتر از ایران، نامطلوب بودن وضعیت مالیاتی و نقش ناکارآمد آن در اقتصاد کشور به وضوح مشخص است.

۲-۲- فرار مالیاتی

فرار مالیاتی در یک عبارت ساده به هر نوع اقدام غیرقانونی جهت عدم پرداخت صحیح مالیات از قبیل حساب‌سازی، عدم ارائه دفاتر، انجام فعالیت اقتصادی بدون رسم و نشان و غیره اطلاق می‌گردد. با تأملی در سیر تاریخ مشخص می‌گردد که وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی سبب شده نقش مالیات در بین درآمدهای دولت کمرنگ شده و مکانیزم کارآمدی برای جذب آن مدنظر قرار نگیرد و از طرفی به واسطه پایین بودن فرهنگ مالیاتی، مالیات‌گریزی به یک پدیده ارثی مبدل گشته که نسل به نسل تداوم یافته و اشکال پیشرفته‌تری به خود می‌گیرد.

اقتصاد سیاه یا زیرزمینی با زیر سؤال بردن عدالت افقی و عمودی در نظام مالیاتی پایه‌های نظام اقتصادی کشور را متزلزل می‌سازد و دولت را در تحقق اهدافش ناتوان می‌نماید. مالیات‌بازاری است برای توزیع مجدد درآمد و تعدیل‌کننده ثروت جامعه و به بیانی کلی‌تر سالم‌سازی اقتصاد که در مقابل آن اقتصاد وسیع زیرزمینی قرار دارد که ناشی از ناکارآمدی نظام مالیاتی و به تبع آن فرار مالیاتی است با کاهش میزان درآمدهای مالیاتی توزیع عادلانه درآمد و ثروت به درستی صورت نخواهد گرفت. فرار مالیاتی یکی از اساسی‌ترین و مشکلات هر نظام مالیاتی محسوب می‌شود که ضرورت دارد ضمن ریشه‌یابی، عوامل مؤثر در شیوع این پدیده مخرب اقتصادی شناسایی و در رفع آن برنامه‌ریزی شود. در شناسایی عوامل مؤثر در پدیده فرار مالیاتی بایستی دقت نمود که این معضل فقط ریشه اقتصادی نداشته و در کنار علل اقتصادی سایر عوامل اجتماعی (سرمایه اجتماعی و میزان پذیرش و مقبولیت آحاد جامعه)

- فرهنگی (فرهنگ مالیاتی) و سیاسی و حاکمیتی (تصمیمات و سیاست‌ها و قوانین متخذه) نیز بایستی مدنظر قرار گیرد.

جدول (۱)- متوسط نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی برای

کشورهای منتخب طی دوره (۲۰۰۶ - ۱۹۹۸)

ردیف	کشور	نسبت مالیات به GDP واقعی
۱	نامبیا	۲۹.۱۵
۲	جامائیکا	۲۶
۳	ترکیه	۲۵.۹۲
۴	آفریقای جنوبی	۲۵.۶۲
۵	تونس	۲۱.۱۳
۶	مراکش	۲۰.۷۵
۷	اردن	۲۰.۱۳
۸	بلغارستان	۱۹.۶
۹	بلاروس	۱۷.۶۵
۱۰	بولیوی	۱۴.۹۷
۱۱	مصر	۱۴.۵۱
۱۲	سريلانكا	۱۴.۳۵
۱۳	اکراین	۱۴.۲۸
۱۴	فیلیپین	۱۳.۵۸
۱۵	پرو	۱۲.۸۳
۱۶	قزاقستان	۱۲.۳۳
۱۷	السالوادور	۱۱.۷۶
۱۸	گواتمالا	۱۰.۰۲
۱۹	گرجستان	۹.۱۴
۲۰	ایران	۷.۱

ماخذ: فصلنامه تخصصی مالیات - شماره ۵۰ - پاییز ۱۳۸۷

جدول (۲) - وضع مالی دولت طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۵۷)

ارقام به میلیارد ریال و درصد

سال	هزینه‌های جاری	تولید ناخالص داخلی	مالیات مستقیم	مالیات‌های غیرمستقیم	کل مالیات‌ها	T/GDP	مالیات / هزینه جاری
۱۳۵۹	۱۶۸۱	۶۲۹۸.۵	۱۲۹.۲	۲۱۱.۳	۳۴۰.۴	۵.۴	۲۰.۲
۱۳۶۰	۲۰۳۲.۴	۷۶۵۶	۳۲۱.۹	۲۳۲.۲	۵۵۴.۱	۷.۲	۲۷.۳
۱۳۶۱	۲۲۵۲.۶	۱۰۰۷۸	۲۹۵.۵	۳۱۸.۵	۶۱۳.۹	۶.۱	۲۷.۳
۱۳۶۲	۲۵۲۳.۷	۱۲۴۳۸	۳۳۲	۴۸۲.۶	۸۱۴.۵	۶.۵	۳۲.۳
۱۳۶۳	۲۴۷۵.۶	۱۳۵۵۹	۴۰۴.۷	۴۹۴	۸۹۸.۷	۶.۶	۳۶.۲
۱۳۶۴	۲۵۴۸.۱	۱۴۴۲۳	۵۸۱	۵۰۴.۱	۱۰۵۸.۱	۷.۵	۴۲.۶
۱۳۶۵	۲۴۱۰.۳	۱۴۶۶۱	۵۷۹.۸	۴۴۴.۸	۱۰۲۴.۶	۷	۴۲.۵
۱۳۶۶	۲۹۱۱.۴	۱۷۹۲۴	۶۱۲.۴	۴۱۷.۹	۱۰۳۰.۲	۵.۷	۳۵.۴
۱۳۶۷	۳۳۹۴.۲	۲۰۲۰۰	۶۴۵.۹	۳۴۰.۶	۹۸۶.۵	۴.۹	۲۹.۱
۱۳۶۸	۳۳۸۵.۲	۲۵۰۷۹	۶۵۹.۷	۵۲۸.۱	۱۱۸۷.۸	۴.۷	۳۵.۱
۱۳۶۹	۴۲۸۴.۸	۳۴۵۰۶	۹۲۳.۶	۷۷۱.۴	۱۶۹۵	۴.۹	۳۹.۶
۱۳۷۰	۵۵۶۳.۸	۴۸۴۲۸	۱۳۹۶	۱۳۶۹.۲	۲۷۶۵.۲	۵.۷	۴۹.۷
۱۳۷۱	۷۸۰۷.۹	۶۴۵۰.۲	۱۹۹۱.۳	۱۷۸۴.۳	۳۷۷۵.۶	۵.۹	۴۸.۴
۱۳۷۲	۱۳۶۳۹.۳	۱۰۰۱۲۴	۲۶۱۵.۷	۱۴۴۵.۶	۴۰۶۱.۳	۴.۱	۲۹.۸
۱۳۷۳	۱۹۸۴۱.۱	۱۳۱۷۷۱	۳۸۵۴.۲	۱۶۳۶.۶	۵۴۹۰.۸	۴.۲	۲۷.۷
۱۳۷۴	۲۸۴۴۸.۱	۱۸۸۱۸۴	۵۶۴۸.۲	۱۶۶۴.۲	۷۳۱۳	۳.۹	۲۵.۷
۱۳۷۵	۳۷۵۷۱.۲	۲۴۸۹۷۲	۸۹۷۰.۶	۳۵۸۹.۷	۱۲۵۶۰.۳	۵	۳۳.۴
۱۳۷۶	۴۴۹۶۶.۷	۲۱۷۶۹	۱۱۰۵۳	۶۲۹۱.۶	۱۷۳۴۴.۶	۵.۹	۲۸.۶
۱۳۷۷	۵۲۵۴۵.۶	۳۲۸۵۲۲	۱۲۶۷۶.۳	۶۰۱۰.۴	۱۸۶۸۶.۷	۵.۷	۳۴.۹
۱۳۷۸	۶۸۲۱۹.۳	۴۳۴۳۸۵	۱۶۵۸۴	۹۲۴۸	۲۵۸۳۲	۵.۹	۳۷.۹
۱۳۷۹	۸۵۹۵۳.۱	۵۷۶۴۹۳	۱۹۵۸۴.۶	۱۷۰۰۰.۶	۳۶۵۸۵.۲	۶.۳	۴۲.۶
۱۳۸۰	۱۰۴۵۳.۸	۶۶۴۶۲۰	۲۲۹۸۶.۴	۱۸۷۹۸.۲	۴۱۷۸۴.۶	۶.۳	۴۰
۱۳۸۱	۱۶۵۹۰.۷.۴	۹۱۷۰۳۵	۲۵۶۵۲.۷	۲۴۴۸۸.۵	۵۰۱۴۱.۲	۵.۵	۳۰.۲
۱۳۸۲	۱۷۸۲۵۵.۲	۱۰۹۵۳۰۳	۳۲۰۳۳.۷	۳۳۰۶۵.۲	۶۵۰۹۸.۹	۵.۹	۳۶.۵
۱۳۸۳	۲۳۱۹۲۳.۱	۱۳۸۴۱۹	۴۱۸۹۶.۹	۴۲۵۲۴.۳	۸۴۴۲۱.۲	۶.۱	۳۶.۴
۱۳۸۴	۳۳۰۸۸۴	۱۶۸۷۹۰.۵.۲	۸۴۰۲۹.۶	۵۰۵۴۴.۸	۱۳۴۵۷۴	۸	۴۰.۷
۱۳۸۵	۴۱۵۷۹۳.۱	۲۰۳۸۴۳۲.۳	۹۷۶۹۱.۳	۵۳۹۲۹.۶	۱۵۱۶۲۱	۷.۴	۳۶.۵
۱۳۸۶	۴۲۱۳۳۴.۱	۲۶۲۳۱۷۷	۱۲۶۳۳۳.۶	۶۵۴۸۱.۹	۱۹۱۸۱۶	۷.۳	۴۵.۵
۱۳۸۷	۵۶۳۵۹۰	۳۲۱۸۰۰۰	۱۶۷۱۵۲	۷۲۵۸۹	۲۳۹۷۴۱	۷.۵	۴۲.۵

- منبع: قوانین بودجه

- برگرفته از کتاب نمای سی ساله وزارت امور اقتصادی و دارایی

جدول (۳)- نرخ رشد دوره (۱۳۸۷-۱۳۵۷)

ارقام به درصد

شرح	هزینه‌های جاری	تولید ناخالص داخلی	مالیات مستقیم	مالیات‌های غیر مستقیم	کل مالیات‌ها	T/GDP	هزینه‌های جاری/مالیات
نرخ رشد دوره ۳۰ ساله	۲۲.۱۷	۲۴.۰۷	۲۳.۹۰	۲۱.۷۸	۲۳.۱۳	-۰.۷۱	۰.۷۹

- منبع: بررسی‌های محقق

۳- روش کار

در این تحقیق که می‌توان آن را از نوع کاربردی نام برد، از روش میدانی با استفاده از پرسشنامه استفاده شده است که داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و روش آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون t با نمونه‌های مستقل^۱ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

در پژوهش حاضر عوامل مؤثر در فرار مالیاتی از دو زاویه یعنی هم از منظر پرداخت کنندگان (مؤدیان مالیاتی) و سپس از دیدگاه ساختار انسانی نظام مالیاتی مورد کنکاش قرار گرفته است و در این رابطه ابتداء نظرات هر دو طیف با توزیع ۳۰۰ پرسشنامه جداگانه برای هر دو طیف به وسیله ۱۵ مؤلفه مؤثر در فرار مالیاتی أخذ گردیده است و ابتداء همسویی دیدگاه مؤدیان و کادر مالیاتی بررسی و سپس در قالب فرضیه اصلی، تأثیر ۱۵ مؤلفه به طور اجتماع دنبال می‌گردد و در نهایت میزان تأثیر هر کدام از ۱۵ مؤلفه (عدم ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در جامعه، فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه، ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات موضوعه در ارتباط با مالیات، بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی، ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه مالیاتی، عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی، الگوبرداری، یادگیری و برداشت از کردار و عملکرد سایر مؤدیان، وجود معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی، عدم وجود و یا ضعف نظارت و پی‌گیری اثر بخش در پروسه تشخیص و أخذ مالیات، عدم توانایی عملی، مهارتی برخی از مأمورین مالیات در ممیزی و حسابرسی، حساب سازی و کتمان درآمدهای برخی از مؤدیان مالیاتی، تشخیص علی‌الراس مالیات، وجود

1 - (Independent Samples t-Test)

فساد در میان مأمورین مالیات، پدیده پولشویی، گسترش شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی) به عنوان پانزده فرضیه فرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همان طور که اشاره شد، در این پژوهش جامعه آماری شامل دو گروه می‌باشد که گروه اول شامل کلیه مؤدیان مالیاتی است که در اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان شرقی دارای پرونده مالیاتی می‌باشند و گروه دوم کادر تشخیص مالیاتی اداره کل مذکور را در بر می‌گیرد. با توجه به حجم جامعه و جداول از پیش طراحی شده در سطح اطمینان ۹۵٪، ۱۵۷ پرسشنامه بین کادر تشخیص و ۳۰۰ پرسشنامه بین مؤدیان توزیع گردیده که پاسخگویی به پرسشنامه‌ها ۱۰۰٪ بود.

۴- یافته‌ها

در این بخش برای آزمون فرضیات پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده با نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱-۴- آزمون فرضیات اصلی

۴-۱-۱- بررسی تأثیر مجموع ۱۵ مؤلفه در پدیده فرار مالیاتی

فرض H_0 : ۱۵ مؤلفه مطرح شده در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : ۱۵ مؤلفه مطرح شده در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

۴-۱-۲- بررسی همسویی نظرات مؤدیان و کادر مالیاتی در رابطه با ۱۵ مؤلفه مؤثر در پدیده فرار

مالیاتی

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر ۱۵ مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر ۱۵ مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

نمی‌باشد.

فرضیه فوق با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و در صورت کسب

۷۳٪ درصد از مجموع کل امتیاز، مجموع ۱۵ مؤلفه مطرح شده در پرسشنامه در فرار مالیاتی مؤثر بوده

است. سپس با استفاده از آزمون T با متغیرهای مستقل همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی

بررسی شده است

جدول (۴)- درصد رشد وضع مالی دولت طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۵۷)

ارقام به درصد

سال	هزینه‌های جاری	تولید ناخالص داخلی	مالیات مستقیم	مالیات‌های غیرمستقیم	کل مالیاتها	T/GDP	مالیات/هزینه جاری
۱۳۵۸	۷.۷۷	۲۱.۶۸	-۱۵.۳۶	-۲۸.۶۲	-۲۰.۹۷	-۳۴.۴۱	-۲۶.۷۹
۱۳۵۹	۱۲.۴۶	۳.۷۹	-۴۳.۳۶	۵۰.۷۱	-۷.۵۸	-۱۱.۴۸	-۱۷.۸۹
۱۳۶۰	۲۰.۸۹	۲۱.۵۵	۱۴۹.۱۵	۹.۸۹	۶۲.۷۸	۳۳.۳۳	۳۵.۱۵
۱۳۶۱	۱۰.۸۳	۳۱.۶۴	-۸.۲۰	۳۷.۱۷	۱۰.۷۹	-۱۵.۲۸	۰.۰۰
۱۳۶۲	۱۲.۰۳	۲۳.۴۲	۱۲.۳۵	۵۱.۵۲	۳۲.۶۸	۶.۵۶	۱۸.۳۲
۱۳۶۳	-۱.۹۱	۹.۰۱	۲۱.۹۰	۲.۳۶	۱۰.۳۴	۱.۵۴	۱۲.۳۸
۱۳۶۴	۲.۹۳	۶.۳۷	۴۳.۵۶	۲.۰۴	۲۰.۷۴	۱۳.۶۴	۱۷.۳۶
۱۳۶۵	-۵.۴۱	۱.۶۵	-۰.۲۱	-۱۱.۷۶	-۵.۵۸	-۶.۶۷	-۰.۲۳
۱۳۶۶	۲۰.۷۹	۲۲.۲۶	۵.۶۲	-۶.۰۵	۰.۵۵	-۱۸.۵۷	-۱۶.۷۱
۱۳۶۷	۱۶.۵۸	۱۲.۷۰	۵.۴۷	-۱۸.۵۰	-۴.۲۴	-۱۴.۰۴	-۱۷.۸۰
۱۳۶۸	-۰.۲۷	۲۴.۱۵	۲.۱۴	۵۵.۰۵	۲۰.۴۱	-۴.۰۸	۲۰.۶۲
۱۳۶۹	۲۶.۵۷	۳۷.۵۹	۴۰.۰۰	۴۶.۰۷	۴۲.۷۰	۴.۲۶	۱۲.۸۲
۱۳۷۰	۲۹.۸۵	۴۰.۳۵	۵۱.۱۵	۷۷.۵۰	۶۳.۱۴	۱۶.۳۳	۲۵.۵۱
۱۳۷۱	۴۰.۳۳	۳۳.۱۹	۴۲.۶۴	۳۰.۳۲	۳۶.۵۴	۳.۵۱	-۲.۶۲
۱۳۷۲	۷۴.۶۹	۵۵.۲۳	۳۱.۳۶	-۱۸.۹۸	۷.۵۷	-۳۰.۵۱	-۳۸.۴۳
۱۳۷۳	۴۵.۴۷	۳۱.۶۱	۴۷.۳۵	۱۳.۲۱	۳۵.۲۰	۲.۴۴	-۷.۰۵
۱۳۷۴	۴۳.۳۸	۴۲.۸۱	۴۶.۵۶	۱.۶۹	۳۳.۱۹	-۷.۱۴	-۷.۲۲
۱۳۷۵	۳۲.۰۷	۳۲.۳۰	۵۸.۸۱	۱۱۵.۷۰	۷۱.۷۵	۲۸.۲۱	۲۹.۹۶
۱۳۷۶	۱۹.۶۸	۱۷.۱۹	۲۳.۲۱	۷۵.۲۷	۳۸.۰۹	۱۸.۰۰	۱۵.۵۷
۱۳۷۷	۱۹.۰۸	۱۲.۶۰	۱۴.۶۹	-۴.۴۷	۷.۷۴	-۳.۳۹	-۹.۵۹
۱۳۷۸	۲۷.۴۰	۳۲.۲۲	۳۰.۸۳	۵۳.۸۷	۳۸.۲۴	۳.۵۱	۸.۶۰
۱۳۷۹	۲۶.۰۰	۳۲.۷۱	۱۸.۰۹	۸۳.۸۳	۴۱.۶۳	۶.۷۸	۱۲.۴۰
۱۳۸۰	۲۱.۶۲	۱۵.۲۹	۱۷.۳۷	۱۰.۵۷	۱۴.۲۱	۰.۰۰	-۶.۱۰
۱۳۸۱	۵۸.۷۱	۳۷.۹۸	۱۱.۶۰	۳۰.۲۷	۲۰.۰۰	-۱۲.۷۰	-۲۴.۵۰
۱۳۸۲	۷.۴۴	۱۹.۴۴	۲۴.۸۷	۳۵.۰۲	۲۹.۸۳	۷.۲۷	۲۰.۸۶
۱۳۸۳	۳۰.۱۱	-۸۷.۳۶	۳۰.۷۹	۲۸.۶۱	۲۹.۶۸	۳.۳۹	-۰.۲۷
۱۳۸۴	۴۲.۶۷	۱۱۱۹.۴۲	۱۰۰.۵۶	۱۸.۸۶	۵۹.۴۱	۳۱.۱۵	۱۱۸۱
۱۳۸۵	۲۵.۶۶	۲۰.۷۷	۱۶.۲۶	۶.۷۰	۱۲.۶۷	-۷.۵۰	-۱۰.۳۲
۱۳۸۶	۱.۳۳	۲۸.۶۹	۲۹.۳۲	۲۱.۴۲	۲۶.۵۱	-۱.۳۵	۲۴.۶۶
۱۳۸۷	۳۳.۷۶	۲۲.۶۸	۳۲.۳۱	۱۰.۸۵	۲۴.۹۹	۲.۷۴	-۶.۵۹

- منبع: بررسی‌های محقق

جدول (۵) - نتایج آماره عوامل مؤثر در فرار مالیاتی در حالت کلی

آزمون T تک نمونه ای							
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	انحراف از استاندارد	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۰.۲۲۱	۲۲۷	۰.۸۲۵	-۰.۱۰۹۶۵	۷.۴۸۳۹۸	-۱.۰۸۶	۰.۸۶۷۰
آزمون T با متغیرهای مستقل							
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	انحراف از استاندارد	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۰.۸۴۱	۲۲۶	۰.۴۰۱	-۰.۸۴۱۶۷	۱.۰۰۰۶۲	-۲.۸۱۳۴۰	۱.۱۳۰۰۶

به استناد جدول شماره (۵) سطح معنی داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب $۰/۸۲$ و $۰/۴$ به دست آمده که با توجه به این که سطح معنی داری بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی ۱۵ مؤلفه مطروحه در مجموع در بروز فرار مالیاتی مؤثر بوده و نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان نیز در این راستا همسو می‌باشد.

۴-۲- آزمون فرضیات فرعی

جهت بررسی فرضیه‌های فرعی کسب ۷۳% درصد از مجموع کل امتیاز معیار سنجش بوده و ابتدا فرضیه‌ها با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس با استفاده از آزمون T با متغیرهای مستقل، همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی نیز برای هر کدام از مؤلفه‌های پانزدهگانه بررسی شده است.

۴-۲-۱- بررسی تأثیر عدم ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : عدم ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : عدم ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۶) - نتایج آماره تأثیر فرهنگ مالیاتی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۸۴۴	۲۲۷	.۴۰۰	-۰.۵۷۰۲	۰.۷۶۱	-۱.۱۹۰۱
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۸۴۱	۲۲۶	.۴۰۰	-۸۴۱۶۷	۱.۱۳۰۰۶	-۲.۳۱۳۴۰

به استناد جدول شماره (۶) سطح معنی داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۴ و ۰/۴ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی داری بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی عدم ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در جامعه در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۲-۲-۴- بررسی تأثیر فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

نمی‌باشد.

جدول (۷) - تأثیر فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۱.۹۶۳	۲۲۷	.۰۵۱	-۱.۱۲۲۸۱	-۰.۲۴۶۱	.۰۰۰۵
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد می‌شود	۳.۱۹۷	۲۲۶	.۰۰۲	.۳۹۵۵۸	.۱۵۱۷۷	۶۳۹۳۹

به استناد جدول شماره (۷) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۰۵۱ و ۰/۰۲ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب بیشتر و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه صفر در رابطه با اثر فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه در فرار مالیاتی نداریم اما فرضیه همسویی نظرات کارمندان و مؤدیان رد می‌شود. با توجه با آزمون t تک نمونه‌ای در جدول (۸) می‌توان چنین اظهار نظر کرد که سطح معنی‌داری آزمون برای کارکنان و مؤدیان به ترتیب برابر با ۰/۲۴ و ۰/۰۱ به دست آمده که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب بیشتر و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا از نظر کارمندان فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد اما از نظر مؤدیان این عامل در فرار مالیاتی بی‌تأثیر می‌باشد.

جدول (۸) - آزمون نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون نظر کارمندان	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 ، رد نمی شود	۱.۱۸۱	۹۸	۰.۲۴۱	۰.۱۰۱۰۱	۰.۲۷۰۸	-۰.۰۶۸۷
نتیجه آزمون نظر مؤدیان	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} ، رد می شود	-۳.۴۱۶	۱۲۸	۰.۰۰۱	-۰.۲۹۴۵۷	-۰.۱۲۳۹	-۰.۴۶۵۲

۳-۲-۴- بررسی تأثیر ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات موضوعه در رابطه با مالیات در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات در فرار مالیاتی مؤثر می باشد.

فرض H_1 : ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات در فرار مالیاتی مؤثر نمی باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

می باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

نمی باشد.

جدول (۹) - تأثیر ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۱۸۱۶	۲۲۷	.۰۷۱	-۱۲۲۸۱	-۲۵۶۰	.۰۱۰۴
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۱۲۹۰	۲۲۶	.۱۹۸	-۱۷۵۷۱	-۴۴۴۱۰	.۰۹۲۶۸

به استناد جدول شماره (۹) سطح معنی داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۰۷ و ۰/۱۹ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی داری بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات موضوعه در ارتباط با مالیات در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۴- بررسی تأثیر بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.
فرض H_1 : تأثیر بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۰) - تأثیر بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	۱.۲۶۳	۲۲۷	.۲۰۸	.۰۹۲۱۱	-۰.۵۱۵	.۲۳۵۸
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۱.۴۱۳	۲۲۶	.۱۵۹	-۲.۰۷۴۲	-۳.۴۹۶۶۲	.۰۸۱۷۷

به استناد جدول شماره (۱۰) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۲ و ۰/۱۵ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۵- بررسی تأثیر ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۱) - تأثیر ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه مالیاتی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	۲۸۲	۲۲۷	۰/۷۷۸	۰/۱۷۵۴	۰/۱۴۰۲	-۰/۱۰۵۲
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	۸۵۴	۲۲۶	۰/۳۹۴	۰/۱۰۷۳۵	۰/۳۵۵۰۶	-۰/۱۴۰۳۵

به استناد جدول شماره (۱۱) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۳۹ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۶- بررسی تأثیر عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر

نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

نمی‌باشد.

جدول (۱۲) - تأثیر عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	۱.۴۴۶	۲۲۷	۰.۱۴۴	۰.۱۰۰۸۸	-۰.۳۴۷	۰.۲۳۶۴
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	۰.۹۸	۲۲۶	۰.۹۲۲	۰.۱۳۶۲	-۰.۲۶۰۴۶	۰.۲۸۷۷۱

به استناد جدول شماره (۱۲) سطح معنی داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب $۰/۱۴$ و $۰/۹۲$ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی داری بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۷- بررسی تأثیر الگوبرداری، یادگیری و برداشت از کردار و عملکرد سایر مؤدیان در فرار

مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر الگوبرداری و برداشت از عملکرد سایر مؤدیان در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر الگوبرداری و برداشت از عملکرد سایر مؤدیان در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۳) - الگوبرداری و برداشت از عملکرد سایر مؤدیان در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۱.۱۵۱	۲۲۷	.۲۵۱	-۰.۷۸۹۵	-۰.۲۱۴۱	۰.۵۶۲
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	-۲.۸۴۰	۲۲۶	.۰۰۵	-۳.۸۷۱۳	-۶.۵۵۷۱	-۱.۱۸۵۴

به استناد جدول شماره (۱۳) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۲۵ و ۰/۰۰۵ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب بیشتر و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه تأثیر الگوبرداری، یادگیری و برداشت از کردار و عملکرد سایر مؤدیان در فرار مالیاتی نداریم و اما نظر کارمندان و مؤدیان نیز در این راستا همسو نمی‌باشد. با توجه با آزمون t تک نمونه ای در جدول (۱۴) می‌توان چنین اظهارنظر

کرد که سطح معنی‌داری آزمون برای کارکنان و مؤدیان به ترتیب برابر با $0/03$ و $0/32$ به دست آمده که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب کمتر و بیشتر از سطح خطای $0/05$ درصد می‌باشد، لذا از نظر کارمندان الگوبرداری، یادگیری و برداشت از کردار و عملکرد سایر مؤدیان در فرار مالیاتی موثر نمی‌باشد اما از نظر مؤدیان این عامل در فرار مالیاتی تأثیر دارد.

جدول (۱۴) - آزمون نظر کارمندان و مؤدیان در تأثیر الگوبرداری از عملکرد مؤدیان در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون نظر کارمندان	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	-۳.۰۰۴	۹۸	۰.۰۳	-۳۰۷۹۸	-۵۱۱۴	-۱۰۴۵
نتیجه آزمون نظر مؤدیان	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	۰.۹۹۲	۱۲۸	۰.۳۳۳	۰.۸۹۱۵	۰.۸۸۶	۰.۲۶۶۹

۴-۲-۸- بررسی تأثیر وجود معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۵) - تأثیر معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	-۹.۵۵۷	۲۲۷	.۰۰۰	-۶۸۴۲۱	-۸۲۵۳	-۵۴۳۱
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۲.۴۰۶	۲۲۶	.۰۱۷	-۳۴۳۹۰	-۶۲۵۵۷	-۰.۶۲۲۴

جدول (۱۶) - آزمون نظر کارمندان و مؤدیان در تأثیر معافیت‌های متنوع و متعدد در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	-۸.۵۴۸	۹۸	.۰۰۰	-۸۷۸۷۹	-۱۰.۸۲۸	-۶۷۴۸
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۳.۵۹	۱۲۸	.۷۲۰	-۰.۳۴۸۸	-۲۲۷۳	.۱۵۷۵

به استناد جدول شماره (۱۵) سطح معنی داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۰۰۰ و ۰/۰۱ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی داری کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیه تأثیر وجود معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی موجود در تشدید فرار مالیاتی رد شده که در این راستا نظر کارمندان و مؤدیان نیز همسو نمی‌باشد. با

توجه با آزمون t تک نمونه‌ای در جدول (۱۶) می‌توان چنین اظهار نظر کرد که سطح معنی‌داری آزمون برای کارکنان و مؤدیان به ترتیب برابر با $۰/۰۰۰$ و $۰/۷۲$ به دست آمده که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب کمتر و بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا از نظر کارمندان وجود معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی موجود در فرار مالیاتی موثر نمی‌باشد اما از نظر مؤدیان این عامل در فرار مالیاتی تأثیر دارد.

۴-۲-۹- بررسی تأثیر عدم وجود و یا ضعف نظارت و پی‌گیری اثربخش در پروسه تشخیص و اخذ مالیات در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.
فرض H_0 : تأثیر ضعف نظارت و پی‌گیری اثربخش در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.
فرض H_1 : تأثیر ضعف نظارت و پی‌گیری اثربخش در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۷)- تأثیر ضعف نظارت و پی‌گیری اثربخش در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه‌ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	۱.۲۰۹	۲۲۷	۰.۱۹۸	۰.۸۷۷۲	۰.۲۲۱۷	-۰.۴۶۳
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۰.۶۷۴	۲۲۶	۰.۵۰۱	-۰.۰۹۲۵۵	۰.۱۷۸۰۷	-۰.۳۶۳۱۸

به استناد جدول شماره (۱۷) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب $۰/۱۹$ و $۰/۵$ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی عدم وجود و یا ضعف نظارت و پی‌گیری اثربخش در پروسه تشخیص و اخذ مالیات در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۱۰- بررسی تأثیر عدم توانایی عملی، مهارتی برخی از مأمورین مالیاتی در ممیزی و حسابرسی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر عدم توانایی عملی، مهارتی برخی از مأمورین مالیاتی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر عدم توانایی عملی، مهارتی برخی از مأمورین مالیات در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۸)- تأثیر عدم توانایی عملی، مهارتی برخی از مأمورین مالیات در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۰.۳۵۴	۲۲۷	۰.۷۲۴	-۰.۲۱۹۳	-۰.۱۴۴۱	۰.۱۰۰۲
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۰.۶۱۷	۲۲۶	۰.۵۳۸	-۰.۰۷۷۲۸	-۰.۳۲۴۰۷	۰.۱۶۹۵۰

به استناد جدول شماره (۱۸) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب $۰/۷۲$ و $۰/۵۳$ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی عدم توانایی عملی و مهارتی برخی از مأمورین مالیاتی در ممیزی و حسابرسی در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۱۱- بررسی تأثیر حساب‌سازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر حساب‌سازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر حساب‌سازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۱۹)- تأثیر حساب‌سازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه‌ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	۱۰۶۱۲	۲۲۷	۰.۱۰۸	۰.۱۰۹۶۵	۰.۲۴۳۷	-۰.۲۴۴۴
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	۱۶۸۴	۲۲۶	۰.۰۹۴	۰.۲۳۰۲۱	۰.۴۹۹۵۷	-۰.۰۳۹۱

به استناد جدول شماره (۱۹) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب $۰/۱$ و $۰/۰۹$ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی حساب‌سازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۱۲- بررسی تأثیر تشخیص علی‌الراس مالیات در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر تشخیص علی‌الراس مالیات در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر تشخیص علی‌الراس مالیات در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۲۰)- تأثیر تشخیص علی‌الراس مالیات در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	محاسبه T شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۰.۲۵۶	۲۲۷	۰.۷۹۸	-۰.۱۷۵۴	۰.۱۱۷۴	-۰.۱۵۲۵
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	محاسبه T شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۰.۳۲۴	۲۲۶	۰.۷۴۶	-۰.۰۴۴۸۷	۰.۲۲۷۹۰	-۰.۳۱۷۶۴

به استناد جدول شماره (۲۰) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب $۰/۷۹$ و $۰/۷۴$ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی تشخیص علی-الراس مالیات در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۳-۱۳- بررسی تأثیر فساد در میان مأمورین مالیاتی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر فساد در میان مأمورین مالیات در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر فساد در میان مأمورین مالیات در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۲۱)- تأثیر فساد در میان مأمورین مالیات در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه‌ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	-۰.۸۰۶۵۸	۲۲۷	.۰۰۰	-۰.۶۴۹۱۲	-۰.۷۹۶۹	-۰.۵۰۱۴
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۰.۲۶۵۹	۲۲۶	.۰۰۸	-۰.۳۹۶۹۹	-۰.۶۹۱۱۵	-۰.۱۰۲۸۳

جدول (۲۲) - آزمون نظر کارمندان و مؤدیان در تأثیر فساد در میان مأمورین مالیات در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون نظر کارمندان	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	-۰.۷۹۵۱	۹۸	.۰۰۰	-۰.۸۷۳۷۴	-۱.۰۹۱۸	-۰.۶۵۵۷
نتیجه آزمون نظر مؤدیان	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	-۰.۱۷۶۸	۱۲۸	.۰۷۹	-۰.۱۷۶۷۴	-۰.۳۷۴۵	.۰۲۱۰

به استناد جدول شماره (۲۱) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۰۰۰ و ۰/۰۸ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیه تأثیر وجود فساد در میان مأمورین مالیات در فرار مالیاتی رد شده ولی نظر کارمندان و مؤدیان در این راستا همسو نمی‌باشد. با توجه با آزمون t تک نمونه‌ای در جدول (۲۲) می‌توان چنین اظهار نظر کرد که سطح معنی‌داری آزمون برای کارکنان و مؤدیان به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۷ به دست آمده که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب کمتر و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا از نظر کارمندان، وجود فساد در میان مأمورین مالیات در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد اما از نظر مؤدیان این عامل در فرار مالیاتی تأثیر دارد.

۴-۲-۱۴ بررسی تأثیر پدیده پولشویی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر پدیده پولشویی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر پدیده پولشویی مالیات در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو

می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۲۳) - تأثیر پدیده پولشویی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد نمی‌شود	۱.۱۸۶	۲۲۷	. ۲۳۷	. ۸۷۷۲	- . ۰۵۸۱	. ۲۳۳۵
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	-۱.۷۰۴	۲۲۶	. ۰۹۰	- . ۲۵۳۲۳	- . ۵۴۶۱۱	. ۰۳۹۶۵

به استناد جدول شماره (۲۳) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۲۳ و ۰/۰۹ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر نداریم. به عبارتی پدیده پولشویی در فرار مالیاتی مؤثر بوده و در این رابطه نظر کارکنان مالیاتی و مؤدیان هم همسو می‌باشد.

۴-۲-۱۵- بررسی تأثیر گسترش شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی در فرار مالیاتی و همسویی نظرات مؤدیان و کارکنان مالیاتی در این راستا.

فرض H_0 : تأثیر گسترش شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی در فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد.

فرض H_1 : تأثیر گسترش شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی در فرار مالیاتی مؤثر نمی‌باشد.

فرض H_0 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو می‌باشد.

فرض H_1 : نظر کارمندان و مؤدیان در رابطه با تأثیر این مؤلفه در فرار مالیاتی همسو نمی‌باشد.

جدول (۲۴) - تأثیر گسترش شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی در فرار مالیاتی

آزمون T تک نمونه ای						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_0 رد می‌شود	۲.۲۸۲	۲۲۷	۰.۲۰۳	۰.۱۴۹۱۲	۰.۲۰۴	۰.۲۷۷۹
آزمون T با متغیرهای مستقل						
نتیجه آزمون	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین دو گروه	فاصله تفاوت با سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					حد بالا	حد پایین
H_{01} رد نمی‌شود	۱.۵۲۶	۲۲۶	۰.۱۲۸	۰.۲۰۰۶۱	-۰.۰۵۸۳۸	۰.۴۵۹۶۰

به استناد جدول شماره (۲۴) سطح معنی‌داری آزمون t تک نمونه‌ای و T با متغیرهای مستقل، به ترتیب ۰/۰ و ۰/۱۲ حاصل شده است که با توجه به این که سطح معنی‌داری به ترتیب کمتر و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیه تأثیر گسترش شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی در فرار مالیاتی رد می‌شود و نظر کارمندان و مؤدیان نیز در این راستا همسو می‌باشد.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در این بخش نتایج حاصل از این پژوهش به طور اجمال در سه بعد به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۵-۱- عوامل مؤثر در فرار مالیاتی که مؤدیان و کادر مالیاتی بر آن اتفاق نظر دارند:

- عدم ترویج کارآمد فرهنگ مالیاتی در جامعه:

فرهنگ مالیاتی در برگیرنده مجموعه رفتارها و کردارهای موجود در نظام مالیاتی مابین مؤدیان مالیاتی و دستگاه مالیاتی می‌باشد که در این راستا، فرهنگ‌سازی و توسعه و ترویج فرهنگ مالیاتی در بین عموم مردم با استفاده از نهادهای فرهنگی با یک برنامه مدون، علمی، کاربردی و منطقی، باعث تقویت روحیه اطمینان و اعتماد مردم نسبت به عملکرد دولت شده و مردم با تمامی سیاست‌های دولت، همگام گشته و نسبت به تأمین منابع مالی دولت همکاری می‌نمایند و بدین سبب هزینه وصول مالیات نیز بسیار نازل خواهد گشت. لذا پیشنهاد می‌گردد از طرق مختلف علمی، عملی و به روز اقدام به فرهنگ‌سازی مالیاتی گردد تا زمینه برای دیگر اقدامات نیز فراهم شود و در این راستا جهت شناساندن مفاهیم مالیات و دلایل أخذ آن با توجه به این که این موضوع یک مسئله فرهنگی است و نیاز به یک برنامه‌ریزی بلندمدت دارد پیشنهاد می‌شود درسی درباره مفاهیم مالیات قانونی و اثرات آن در مقاطع مختلف گنجانده شود و با استفاده از رسانه‌های گروهی در جهت شناساندن ماهیت مالیات در بین اقشار مختلف جامعه گام برداشته شود.

- ضعف، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات موضوعه در ارتباط با مالیات:

تعدد، پیچیدگی، عدم شفافیت و قابل درک و تفسیر نبودن مقررات موجب می‌شود تا مؤدیان مالیاتی با مفهوم و هدف قوانین آشنا نبوده و در تنظیم امور مالی خود با مشکل روبرو شوند لذا مقررات موضوعه مالیاتی، بایستی با توجه به فرهنگ مالیاتی، درجه باور مردم و نیز شرایط موجود، به گونه‌ای تنظیم و تدوین گردد تا خلاءهای موجود که زمینه بسیاری از سوء استفاده‌های احتمالی را فراهم می‌سازند را مرتفع نماید. لذا ایجاد ثبات در قوانین و مقررات و تنظیم قوانین به نحوی که در کوتاه مدت نیازمند اصلاح نباشد توصیه می‌شود چرا که مؤدیان براساس قوانین و مقررات موجود برنامه‌ریزی می‌نمایند و اگر قرار باشد هر روز قوانین و مقررات جدیدی وضع گردد، هرگز موفق به کاهش فرار مالیاتی نمی‌توان شد.

- بوروکراسی اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی:
یکی از علل فرار مالیاتی، تشکیلات پیچیده، طولیل و گاهاً متناقض اداری می‌باشد که بایستی فرآیندهای اجرایی به ساده‌ترین صورت و سهل‌العمل‌ترین روش‌ها بدون هر گونه کاغذبازی اضافی مستند گردند و در کنار آن به اصلاح ساختار اداری، سیستم اصلاح فرآیندها و روش‌های انجام امور، سیستم مدیریت کیفیت، تکریم حقوق ارباب رجوع و اتوماسیون و فن‌آوری اطلاعات توجه نمود. بنابراین استفاده از رایانه و سیستم‌های مکانیزه و همچنین کوتاه کردن مهلت‌های قانونی یا حذف بعضی از مراحل رسیدگی و تشخیص می‌تواند چاره ساز باشد.
- ناکارآمد بودن نظام و مکانیزم تشویق و تنبیه مالیاتی:
تشویق‌های موجود، شاید برای مؤدیان مالیاتی از نظر مادی چندان قابل توجه نبوده، همچنین جای تشویق‌های معنوی و اجتماعی، منزلتی در سیستم مالیاتی کشور خالی می‌باشد که در این رابطه، بایستی ساز و کاری کارآمد و مؤثر طراحی گردد. جرایم مالیاتی نیز بایستی به گونه‌ای باشند که به صورت قاطعانه، بدون تبعیض، عاری از بخشش‌های بی‌مورد و با ضمانت اجرایی عامه‌پسند به اجراء درآید. لذا در رابطه با کارا نمودن محبت جریمه‌ها و تشویق‌ها، افزایش جریمه‌های نقدی و تعیین جریمه‌های سنگین‌تر مختلف و متنوع علاوه بر جریمه‌های نقدی و از طرف دیگر افزایش تشویق‌های مؤدیان خوش حساب پیشنهاد می‌گردد.
- عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی:
با توجه به تعدد و تنوع مشاغل و نیز ناکارآمدی دستگاه مالیاتی، هنوز نظام جامع اطلاعات مالیاتی سروسامان نگرفته که به سبب آن راه برای فرار مالیاتی مهیاء می‌گردد. با عنایت به سه مرحله دریافت مالیات، یعنی شناسایی، تشخیص و وصول، هر چند که این سه مرحله به هم وابسته‌اند ولی به نظر می‌رسد که شناسایی، مهمترین اصل می‌باشد و چنانچه این مرحله به صورت کامل و کارآمد صورت پذیرد، مراحل بعدی نیز قابل اجترأتر بوده و نتایج خوبی هم بر جای خواهد گذاشت.

- عدم وجود و یا ضعف نظارت و پی‌گیری اثر بخش در پروسه تشخیص و اخذ مالیات: موفقیت اجرای سیاست‌های مالیاتی، منوط به نظارت بر حسن اجرای آن می‌باشد که به واسطه نظارت کامل، کارآمد و علمی، نقاط ضعف و قوت تصمیمات متخذه متجلی شده که می‌توان نقاط قوت و فرصت‌ها را تقویت و تهدیدها و ضعف‌های آن را پوشش داد.

- عدم توانایی عملی و مهارتی برخی از مأمورین مالیاتی در ممیزی و حسابرسی: نظر به این که نیروی انسانی یکی از مهمترین عوامل مؤثر در میزان موفقیت در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها می‌باشد لذا بایستی کادر تشخیص مالیات ضمن آشنایی با فلسفه و مفهوم مالیات، آموزش‌های لازم تخصصی را گذرانده تا با شناخت کامل از شیوه‌های جدید مدیریت روان‌شناختی اجتماعی و توانمندی در استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای، دارا بودن دانش حسابداری و حسابرسی و نیز آشنایی کامل با ترفندها و حساب‌سازی‌های موجود در این زمینه و آگاهی از وضعیت مشاغل، اوضاع اقتصادی، اجتماعی جاری، اقدام به انجام وظایف محوله نمایند.

- حساب‌سازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان مالیاتی: افرادی که تمایل و رغبت چندانی به پرداخت مالیات ندارند مدام به دنبال یافتن راه‌کاری برای عدم پرداخت مالیات می‌باشند که در این مورد، علاوه بر حساب‌سازی، نگهداری چندین دفتر، با، به کارگیری مشاورین مالیاتی و آگاهان خبره که معمولاً از بازنشستگان سیستم مالیاتی می‌باشند و با استفاده از خلاءهای موجود قانونی به دنبال این هستند که چگونه مالیات‌شان را کم بدهند، نه این که چگونه مالیات بدهند، لذا با اعمال سیاست‌های خاصی بایستی استفاده از صورت‌های مالی تأیید شده دارایی برای همه ملاک عمل قرار گیرد.

- تشخیص علی‌الرأس مالیات: مالیات علی‌الرأس بایستی به گونه‌ای باشد که اشخاص حقیقی و حقوقی به واسطه بیم و هراس از محاسبه مالیاتشان به صورت علی‌الرأس، مدارک و دفاتر واقعی مربوط به درآمدشان را ارائه نمایند ولی متأسفانه در نظام مالیاتی کشور، مالیات علی‌الرأس معنا و مفهوم واقعی تشخیص

علی‌الراس را نداشته و معمولاً مؤدیان مالیاتی در کنار اظهارنامه، دفاتری را ارائه می‌نمایند که می‌دانند این دفاتر و مدارک مردود اعلام می‌گردند و این عمل صرفاً به خاطر عدم تعلق جریمه به آنان بوده و گرنه از تشخیص علی‌الراس نیز کمال رضایت را دارند، چرا که تعیین و وضع مالیات به صورت علی‌الراس همواره بسیار کمتر از مالیات واقعی آنان می‌باشد. بنابراین تشخیص علی‌الراس واقعی برای مؤدیان خاطی جزو ملزومات می‌باشد نه تشخیص علی‌الراس موجود.

● پدیده پولشویی:

وجود فعالیت‌ها و کارکردهای غیرقانونی و غیرمجاز، به طور گسترده در سطح جهان سبب شده است که حجم بالایی از پول‌های در جریان به صورت پول کثیف و یا پول خاکستری باشند که وجود این مقدار پول کثیف که ناشی از عملیات پول‌شویی می‌باشد، آثار فراوانی بر پیکره اقتصاد، به جای خواهد گذاشت. فرار مالیاتی نیز بر اساس تبصره یک لایحه پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

به عنوان مبارزه با پول‌شویی، در زمره دارایی با منشاء غیرقانونی تلقی می‌شود.

۵-۲- عوامل مؤثر در فرار مالیاتی که فقط مؤدیان مالیاتی به آن معتقدند:

● الگوبرداری، یادگیری و برداشت از کردار و عملکرد سایر مؤدیان:

انسان موجودی است اجتماعی که همواره در ارتباط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و غیره با دیگران بوده و رفتارهای گوناگون و مختلف افراد دیگر نیز می‌تواند در کردار و تفکر وی تأثیرگذار باشد. لذا اگر دارای نظام مالیاتی ناکارآمد با حجم فرار مالیاتی قابل توجه باشیم، مؤدیان دیگر، به نوعی تحت تأثیر عملکرد مؤدیان متخلف و بدهکار قرار گرفته و به مرور، از میزان خوداظهاری و پرداخت به موقع مالیات واقعی آنان، کاسته خواهد شد.

● وجود معافیت‌های متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی:

هر چند معافیت‌ها در راستای حمایت دولت از برخی قشرها اعطاء می‌گردد ولی باید دقت نمود که معافیت‌ها همیشه نمی‌تواند بازدهی مثبتی داشته باشد چرا که امکان دارد در طرز

نگرش مردم اثر سوئی داشته و به نظر آنان نوعی رانت در اختیار برخی اشخاص تلقی شود و عملکرد و رفتار سایر مؤدیان مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد که دولت در جهت کاهش برخی آثار و تبعات سوء این عمل، می‌تواند در صورت ضرورت، به اشکال مختلف دیگری، از این طیف خاص حمایت نماید.

• وجود فساد در میان مأموران مالیاتی

ساختار سیستم مالیاتی بایستی به گونه‌ای باشد که ضمن ارج نهادن به شأن و منزلت کارکنان مالیاتی و تغذیه روحی و معنوی آنان براساس روش‌های مختلف، با پدیده فساد مالی به نوعی برخورد نمایند که هیچ فردی جرأت ارتکاب به این‌گونه اعمال را نداشته باشد.

۵-۳- عوامل مؤثر در فرار مالیاتی که فقط کارکنان مالیاتی به آن معتقدند:

• فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه:

مردم زمانی نسبت به پرداخت مالیات رغبت نشان داده و آن را داوطلبانه خواهند پرداخت که نسبت به دستگاه مالیاتی اعتماد پیدا کرده و به این باور برسند که مالیات پرداختی آنان عیناً در جهت حفظ منافع ملی و افزایش سطح رفاه آنان هزینه خواهد شد و در یک بیان کلی، زمانی مشتاق و راضی به پرداخت مالیات مقرر خواهند بود که به باور مالیاتی رسیده باشند، لذا ایجاد باور مالیاتی و اعتمادسازی از رویکردهای مهم دستگاه مالیاتی کشور و در رأس آن دولت می‌باشد و مهمترین روش برای افزایش میزان و درجه باور مالیاتی، عملکرد بهینه دولت خواهد بود. در این راستا علاوه بر این که اطلاع‌رسانی واقعی از طریق رسانه‌های جمعی درباره نحوه هزینه مالیات پرداختی مردم، باعث ارتقای درجه اعتماد مردم می‌باشد، میزان رفاه اجتماعی مردم نیز خود عامل بسیار مهمی است که فرد همواره به واسطه سر و کار داشتن با آن می‌تواند بر اساس آن قضاوت نهایی‌اش را انجام داده و با مقیاس و میزان قرار دادن آن، باورش شکل می‌یابد. لذا دولت باید سعی و اهتمام جدی در برآوردن خواسته‌های مردم و نیز عمل به شعارهای خود داشته باشد و بدیهی است که عدم توجه کافی، مردم را دلسرد و آن‌ها را به قانون‌گریزی تشویق خواهد نمود.

فهرست منابع

۱. س. روزن، هاروی (۱۳۷۲)، *مالیه عمومی*، ترجمه: علاء، عین‌الله، محل انتشار: ناشر دانشکده دارایی.
۲. توماس، جی جی (۱۳۷۶) *اقتصاد غیر رسمی*، مترجمان: نور بخش، منوچهری، سپهری، کامران، محل انتشار: ناشر مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۳. جعفری صمیمی، احمد و حسن صالح نژاد، حسن (۱۳۷۸)، « جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده برای مالیات بر شرکتها و تأثیر آن بر بودجه دولت در ایران»، *بررسیهای حسابداری*، شماره ۲۶ و ۲۷.
۴. عبدی، محمدرضا و اله محمد آقایی (۱۳۸۷)، *پنج سال تلاش پایدار در پرتو نیم قرن اندیشه*، محل انتشار: سازمان امور مالیاتی کشور.
۵. صادقی، حسین و علی رضا شکیبایی، (۱۳۸۰)، « فرار مالیاتی و اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران (باروش اقتصاد سنجی فازی)»، *فصلنامه مفید*، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۰، ص: ۵۵ تا ۷۶.
۶. رعدی، آذرخش (۱۳۷۶)، « قرن ۲۱، عصر فرار مالیاتی»، *فصلنامه بانک صادرات ایران*، شماره دوم، پائیز ۱۳۷۶.
۷. رنگریز، حسن و غلامحسین، خورشیدی، غلامحسین (۱۳۷۸)، *مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت*، محل انتشار: ناشر شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۸. روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۸)، *نمای سی ساله وزارت امور اقتصادی و دارایی*، محل انتشار: روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۹. رهبر، فرهاد و فضل‌الله میرزاوند (۱۳۸۱)، *بازشناسی عارضه فساد مالی: ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی*، محل انتشار: ناشر دانشگاه تهران، جهاد دانشگاهی.
۱۰. مولیان، سوزان (۱۳۷۹)، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات بین‌المللی مالیاتی*، ترجمه: محمد توکل، محل انتشار: ناشر دانشکده امور اقتصادی.
۱۱. نوشته جمعی از اساتید مدیریت (۱۳۷۸) *کنترل و نظارت*، محل انتشار: ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.

12. Bräutigam, Deborah, Fjeldstad, Odd-Helge, Morre, Mick, eds (2008). *Taxation and State-Building in Developing Countries, Capacity and Consent*, Cambridge University Press, Cambridge

13. Hosseini, Sadr, Panahiand, Sand, "large tax payer unit, phase". End report

page 3, 7, 15

14. Keith Hart(1987), *Informal economy. The new pallarav A Dictionary of Economics*, London :Macminan press.

15. Larsp, Feld, Jean, Robert Tyran(2002). “ Tax Evasion and voting: An Experiments Analysis”

16. OECD (2009), “Taxation, State Building and Aid”, Factsheet, Updated December 2009, Paris. Available at www.oecd.org/dac/governance17. OECD (2008), *Governance, Taxation and Accountability: Issues and Practices*, DAC Guidelines and Reference Series, Paris.

17. Owens, Jeffrey, Parry, Richard (2009), “Why tax matters for development”, in OECD Observer, No 273 June 2009, available at www.oecdobserver.org/tax

Archive of SID